فتوحات فریدونیه

کتابی دربارهٔ وضعیت نواحی شمال‌شرقی ایران، عهد شاه عباس اول صفوی

تاریخ ایران عصر صفوی (۱۱۳۵-۹۰۵ ه.ق) کـه غـالباً دورهٔ اوج قـدرت و عـظمت آن را عـهد شاه‌عباس اول (۱۰۳۸-۹۹۶ ه.ق) می‌دانند، علی‌رغم تحقیقات بسیار پژوهشگران داخلی و خارجی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن، هنوز نقاط مبهم و تاریک فراوان دارد؛ و شاید بتوان گفت این نقیصه، زمانی برطرف خواهد شد که کلیهٔ آثار مربوط به تاریخ این عصر از زوایـا و گـوشه‌های کتابخانه‌های عمومی و شخصی به‌در آمده چاپ و منتشر گردد.

فی‌الواقع، از نظر منابع لازم برای مطالعهٔ سلسلهٔ صفویه برخلاف سایر سلسله‌های حکـومتی در ایران ـ به استثناء سلسلهٔ قاجارـ نه‌تنها دچار کمبود نیستیم بلکه فزونی و گستردگی منابع آشکار است؛ و شاید این گفتهٔ «بارتولد» محقق روسی بُر بیراه نباشد که پژوهشگر تاریخ ایران قرون شانزدهم، هـفدهم و هیجدهم میلادی «نه از لحاظ قلت، بلکه به سبب فراوانی مطالب و مدارک که در تعداد کثیری از کتابخانه‌ها متفرق می‌باشد و نیازمند تدقیق و مطالعه و پیش از همه چاپ انتقادی است، در زحمت خواهد بـود».[۱] براین اساس در نوشتهٔ حاضر به معرفی یکی از نسخه‌های خطی تاریخ ایران عهد شاه‌عباس اول صـفوی مبادرت می‌گردد.

کتاب فتوحات فریدونیه[۲] نوشتهٔ محمدطاهر فرزند حسن خادم بسطامی دربارهٔ فتوحات فریدون‌خان چرکس امیرالامرای استرآباد، مازندران، بسطام، دامغان، گرایلی، کبود جامه و دُرون می‌باشد. مؤلف این اثر بنابر گفتهٔ خویش در دیباچهٔ کتاب، به سال ۱۰۲۲ ه.ق پس از بازگشت از سفر زیارتی مشهد مـقدس بـه موطن خود، بسطام، به حضور فریدون خان می‌رسد و مأمور به تألیف این تاریخ می‌گردد.

---

۱. پیگولوسکایا و دیگران: تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سدهٔ هیجدهم، ترجمهٔ کریم کشاورز (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۶)، ج ۲، ص ۴۹۲.

۲. نسخهٔ خطی این کتاب به‌شمارهٔ ۳۳۱۳ در دانشگاه تهران موجود است.

فریدون‌خان چرکس از جملهٔ غلامان شاه‌عباس بود که در هفت‌سالگی توسط سارقان چرکسی[۱] دزدیده و به جماعت لزگی[۲] فروخته می‌شود. پس از هفت سال‌ونیم اسارت و بندگی عاقبت یکی از مأمورین دولتی وی را خریده در سلک غلامان وارد دربار شاه‌عباس اول می‌سازد. فریدون‌خان با انجام خدماتی به منصب «قورچی‌زره»[۳] نایل شده در سال ۱۰۱۴ هـ.ق به‌دنبال فداکاری برای نجات شاه‌عباس از خطر مرگ که به‌واسطهٔ حملهٔ یکی از اسرای کُرد مُکری پدید آمده بود، مورد توجه خاص پادشاه صفوی قرار می‌گیرد؛ و هنگامی که ترکمانان ناحیهٔ دشت گرگان و دُرون از ضعف نفس یوسف‌خان والی منطقه سوءاستفاده کرده به تجاوز و تعدی علیه اهالی می‌پردازند، شاه‌عباس فریدون‌خان را به منظور سرکوبی ایشان روانه می‌نماید. (۱۰۱۵ هـ.ق) فریدون‌خان در نخستین مصاف خود با ترکمانان، سربلند و موفق از میدان خارج شده قلعهٔ مبارک‌آباد استرآباد را به تصرف خویش درمی‌آورد؛ و از این تاریخ شاه‌عباس وی را به منصب امیرالامرایی منطقه مفتخر می‌سازد.

کتاب فتوحات فریدونیه در واقع تاریخ لشکرکشی‌ها، جنگ‌آوری‌ها و گزارش تدابیر و سیاستهایی است که فریدون خان در ایجاد اختلاف و نفاق بین سران گوکلانها به‌کار بسته است؛ و مؤلف این اثر یعنی محمدطاهر بسطامی وقایع مذکور را طی یک مقدمه، بیست فتح و خاتمه با عناوین ذیل بیان داشته است:

- مقدمه: ذکر مجملی از مبدأ احوال خان عالیشأن، معدن عدل و احسان.
- فتح اول: [تصرف قلعهٔ مبارک‌آباد] به تاریخ ۱۰۱۵ هـ.ق.
- فتح دوم: به داعیهٔ خواستگاری با یکصدنفر مردکاری به میان ایل گوکلان رفتن و به تدبیر خنجر سلطان علیمنکی را به‌دست آوردن.
- فتح سوم: ایلغار دیوان دره و کمال دره که وطن اصلی مخالفان است و پراکنده ساختن ایشان، هفتصدوهشتاد سر بریدن و اسیر بی‌نهایت آوردن.

۱. کسانی را که در شمال ناحیهٔ دربند قرار داشتند. «چرکس» می‌خواندند. (مینورسکی: سازمان اداری حکومت صفوی، ترجمهٔ مسعود رجب‌نیا. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص۱۸۷).
۲. ساکنان جنوب ناحیهٔ دربند را «لزگی» می‌نامیدند. (همان اثر، ص۱۸۷)
۳. معادل ترکی این اصطلاح «کیپم قورچسیی» است و احتمالا قورچی‌زره عهده‌دار حفظ و ارائهٔ به‌موقع زره‌شاهی بوده است؛ وی همچنین به همراه سایر قورچیان در مجامع سلطنتی و مواقع بار عام در نزدیکی شاه قرار داشت. (همان اثر، ص‌ص ۸۷-۸۶)

ـ فتح چهارم: محاربه با شاه نظربیک برادر قراخان سلطان در صعوه داغی‌فی‌سنهٔ الف و تسعه‌عشر [۱۰۱۹ ه.ق] و شکست دادن ایشان و اسیر و غنیمت بی‌نهایت به‌دست آوردن.

ـ فتح پنجم: باج و خراج گرفتن.

ـ فتح ششم: شکست دادن شاه‌نظر بیک و جمعی اون بیگیان را به‌دست آوردن.

ـ فتح هفتم: تدبیر نمودن و کتابت به میان ایل گوکلان فرستادن و قراخان سلطان را که عمدهٔ ایشان بود به لطایف‌الحیل مقتول ساختن.

ـ فتح هشتم: تاخت بر سر جمعی کثیر از حلقه داغلو بردن.

ـ فتح نهم: اسمعیل بیک برادر قراخان سلطان و ولد مشارالیه بک تیموربیک را با جمعی از اون بیگیان به‌دست آوردن.

ـ فتح دهم: ایلغار از راه دده گنبدی و بیرام بولومی کردن و شاه‌نظربیک را به‌دست آوردن.

ـ فتح یازدهم: تا ابتدای ایلخان داغی ایلغار کردن و مخالفان را شکست عظیم دادن.

ـ فتح دوازدهم: آمدن قاری‌خان به حوالی قلعهٔ مبارک‌آباد و کوچانیدن ایل اوخلو و تعاقب نمودن نواب و ایشان را برگردانیدن و در مرتبهٔ نهم اعادی را شکست دادن.

ـ فتح سیزدهم: رفتن خان‌عظیم‌الشأن تا منتهای گوکلان و ادب کردن مخالفان.

ـ فتح چهاردهم: رفتن خان عالیشأن به قزلجه بر سر توکل اون بیگی و تمامی ایل آن ملعون را به قتل‌آوردن.

ـ فتح پانزدهم: این اوخلو قرامنکا را که ام‌الفساد بود به مقام اصلی که دارالبوار است رسانیدن.

ـ فتح شانزدهم: جماعت سالور و دوجی را قتل‌عام کردن.

ـ فتح هفدهم: جمعی را به جلایر جهت دفع و رفع ایل علیمنکی خنجر سلطانی فرستادن و موازی سیصد و پنجاه سربریدن.

ـ فتح هیجدهم: ایلغار بر سر بقیة‌السیف قزلجه بردن که از ضرب شمشیر آبدار فرار نموده در میان آب حصاری بود بدانجا رفته متحصن شده بودند.

- فتح نوزدهم: جماعت متفرقهٔ اوخلو را به تدبیر جمع‌آوردن و خدمت خدمتکاری نمودن.

- فتح بیستم: از قلعهٔ مبارک‌آباد پانزده منزل را در عرض هفت شبانه‌روز ایلغار کردن و بر سر قلعهٔ مزید یزید که در حوالی دُرون است رفتن.

- خاتمه: شمه‌ای از حُسن سلوک و برخی از احوال خیرمآل خان عالیشأن معدن عدل و احسان.

محمدطاهر بسطامی در بیان وقایع فوق، آنچه که به سرگذشت فریدون خان مربوط می‌شود - نظیر اسیر شدن به دست سارقین، فرارو فروخته شدن و ورود به دربار- را از تقریرات شخصی فریدون خان استفاده کرده است؛ و آنچه که به فتوحات و لشکرکشی‌ها باز می‌گردد از نقل‌قولهای شمساقاسم‌بیک لشکرنویس بهره جسته است.

مؤلف همچنین در جای‌جای مطالب اشعاری را نیز از شعرای بزرگ با ذکر مأخذ و از سروده‌های خویش با ذکر عبارت «لراقمه» یا «لمورخه» آورده است که تقریباً بر ۱۹۰۰ بیت بالغ می‌گردد؛ و جالب آنکه نام این وقایع‌نگار شاعر در تذکرهٔ نصرآبادی که معاصر و قریب‌العهد با وی بوده ذکر نگردیده است و اینک با معرفی کتاب فتوحات فریدونیه علاوه بر آنکه یک منبع مهم تاریخی بر ذخایر علمی و ادبی ما در زمینهٔ منابع تاریخی ایران عصر صفوی افزوده می‌گردد؛ به‌وجود و اثر یک شاعر عهد صفوی نیز پی می‌بریم.

اهمیت دیگر کتاب فتوحات فریدونیه ارائهٔ مطالبی در خصوص اوضاع نواحی شمال‌شرقی ایران عهد شاه‌عباس اول می‌باشد که تاکنون در کتاب دیگری بدین شرح و تفصیل نیامده است. در این متن تاریخی همچنین به نام قبایل و طوایفی از تراکمه و ساکنان دشت قبچاق اشاره شده که شاید بتوان گفت امروزه اثری از آنها بر جای نمی‌باشد.

محمدنادر نصیری‌مقدم